

## فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر پرورش و تربیت دانش آموزان

### افسانه قربانی

۱. کارشناسی علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران

Ghorbani.afsaneh1355@gmail.com

### چکیده

مفهوم جهانی شدن که از آن با عنوان فراروی از مفاهیمی است که در سالهای اخیر در مرکز توجه بسیار واقع شده است. مفهوم جهانی شدن با مفهوم مدرن سازی تفاوت دارد. مدرن سازی، عبور از سنت هاست، اما جهانی سازی، نزدیک ساختن فرهنگها و اندیشه هاست اعم از آنکه این فرهنگها و اندیشه ها، مشمول سنت باشند یا تجدد. بنابراین پدیده جهانی شدن و فراروی، خواهان انتقال و تحرک جوامع از سنت به مدرن و پسامدرن است و در طرف دیگر قضیه نیز جهانی کردن، سنتهای محلی را از نظر دور نمی دارد. جهانی شدن را می توان به صورت تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان تعریف کرد، به گونه ای که در آن، جوامع دور از هم طوری به یکدیگر وابسته می شوند که حوادث محلی از رویدادهایی تأثیر می پذیرند که در مناطق دور دست شکل می گیرند. در این صورت، جهانی شدن یک فرآیند چند علیتی، چند لایه و پراحتمال و همچنین عدم قطعیت، پایداری و ناپایداری است. این ویژگیها بر آموزش و پرورش نیز تأثیر فراوان می گذارد و دیگر نمی توان آموزش و پرورش را به شیوه محدود و جزیره ای گذشته ادامه داد. در این مقاله برآنیم که با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین مفهوم جهانی شدن بپردازیم و سپس تأثیر این پدیده را بر آموزش و پرورش نوین بررسی نماییم. یافته های این پژوهش، گویای تأثیر جدی فرایند جهانی شدن بر تعلیم و تربیت کودکان است و لذا جا دارد برای تعلیم و تربیت صحیح کودکان به چند و چون جهانی شدن توجه ویژه شود.

واژگان کلیدی: آموزش، پرورش، جهانی شدن، فراروی.

**۱- مقدمه**

جهانی شدن، از زمره مقوله‌هایی است که تعریفی آسان‌نما اما دشوار دارد و از جهات گوناگون می‌توان درباره آن سخن گفت. واژه جهانی شدن به مفهوم فرایند جامعه باز یا دهکده جهانی اطلاق می‌شود که در آن همگان از حقوق برابر نظیر آزادی بیان، رشد فکری، آرمان یکپارچگی، انجمن‌های علمی، فرهنگی و صنعتی با ارشاد مدیران شایسته و رهبران کارآمد آموزشی بر خوردار باشند، به فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات تجاری بپردازند، گفت‌وگوهای گروهی و جمعی میان آنان بر پایه‌های منطق، تناسب اجتماعی گفتار و آموزه‌های بهداشت روانی استوار باشد، در روابط متقابل از همکاری مثبت و تعامل اثر بخش بهره بگیرند، از آموختن مادام‌العمر و رشد همه‌جانبه خویش در جهانی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال پیشرفت و دگرگونی است، لذت ببرند، فراتر از خودخواهی بیندیشند و به دیگرخواهی تمسک جویند (توما، ۱۳۶۹: ۳۱). افراد در این دهکده جهانی به آرمان‌های انسان‌دوستانه و خیرخواهانه جامعه بشری پایبندند، به پیروی از پیامبران الهی، مصلحان نوع دوست و شایستگان ارشادگر، زندگی اجتماعی را در حیات هم‌نوعان و آسایش و سعادت خود را در خوشبختی رفاه دیگران جست‌وجو می‌کنند. از طریق مدیریت آموزشی تأثیر گذار، فرایند یاددهی-یادگیری را بازبان و اصول گفتمان مناسب و با روش‌های سازنده و راهبردهای بهینه و تبادل فرهنگ‌ها دنبال می‌کنند، افراد جامعه انسانی را می‌پذیرند، عقاید آنان را درک و تحمل می‌کنند تا به مرحله خود هدایتی نائل شوند. آنان که به دیده مثبت به جهانی شدن نگاه می‌کنند، جهانی شدن را انقلابی می‌دانند که سرانجام آن پدیدآیی تمدنی است اطلاعاتی؛ تمدنی که بیش از آن به زمین، سرمایه و مواد خام متکی باشد، مبتنی بر خلاقیت بشری و نبوغ و ابتکار اوست. در جامعه جدید که آن را جامعه اطلاعاتی نیز نامیده‌اند، دانش، کالای اصلی است که در بازار مبادله می‌شود و اگر سرمایه و کار، عوامل اصلی اقتصاد جامعه صنعتی بودند، اطلاعات و دانش عوامل مؤثر در جامعه اطلاعاتی‌اند. در این نوشته چند پرسش مطرح می‌شود: تأثیر جهانی شدن بر نظام تعلیم و تربیت چیست؟ پی‌آمد ایجاد جامعه اطلاعاتی بر این نظام چیست؟ نقش معلم در جامعه اطلاعاتی چیست؟ فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) چه تأثیری بر نظام تعلیم و تربیت می‌گذارد؟ (خوش‌قدم‌خو، ۱۳۹۱: ۱۶۵) فرآیند نظام‌دار و هدایت شده ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی به چه صورت باید باشد؟ پاسخ به سوالات فوق می‌تواند ویژگی‌های آموزش و پرورش را در عصر جهانی شدن را ارائه نماید.

**۱-۱- بیان مسئله**

جهانی شدن، قدمتی دیرینه دارد و ریشه‌های آن به پایه‌گذاری امپراتوری‌ها یا شاهنشاهی‌های کهن از قبیل ایران و روم برمی‌گردد که تصمیم به نزدیک ساختن ملت‌ها و فرهنگ‌ها با فرایندی از بالا به پایین داشتند، اما جهانی شدنی که امروزه با آن مواجهیم، فرایندی است افقی و بدون مداخله دستوری از بالا. از عمر رسمی جهانی شدن در معنی جدید که هم اکنون دوران طفولیت خود را پشت سر گذاشته، دیرزمانی نمی‌گذرد. اما، قدمت غیر رسمی آن با آغاز زندگی آدم و حوا همراه بوده است، زیرا اولین فلسفه سنگ بنای خانواده، رهایی از من و ما شدن، یعنی انسجام و یکپارچگی بود که بعدها با تفاوت‌های جزئی در میان طوایف گوناگون، گروه‌ها و جماعات بشری را بنیان نهاد (رابرستون، ۱۳۸۲: ۵۲). فلسفه‌هایی که موجب ابداع نظریه‌های آگاهی اجتماعی و تکمیل آنها به مرور زمان در زمینه‌های پویایی گروه‌ها، وفاق همگانی و ساختارگرایی شده است، آموزش و پرورش را برپایه اجتماعی شدن بنیان نهاد. همراه با سیر پیشرفت علم و فناوری و ترویج نظریه‌های کل‌گرایی، سیستمی، جهان شمولی، بین‌المللی، سیستم باز یا نظام آزاد جهانی، جانشین سیستم‌های بسته‌ای شد که قرن‌ها از الگوهایی چون مدیریت علمی و دیوان‌سالاری (بورکراسی) پیروی کرد و کارکنان از آزادی بیان و خودشکوفایی محروم بودند و فقط در زمینه کاری آن هم با کنترل شدید سازمانی حق اظهار نظر داشتند. دیری نپایید که با کوشش و دانش‌پژوهی گروهی از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان و با تنظیم الگوهای مدیریت روابط انسانی، تعاونی و مشارکتی، نظریه سیستم باز مطرح شد و با تأکید بر نیازها، علائق و انگیزه‌های انسانی که با فرایند آن سازگار است، منجر به ارتباط منطقی و تعامل اجتماعی شد. امروزه جهانی شدن، یکپارچگی، تعمیم‌گرایی، سیستم باز، نظام آزاد جهانی، بین‌المللی شدن، نظم نوجوانی با واژه‌های متفاوت اما به مفهوم یکسان در

فرهنگ‌های مکتوب و مدون، مدرج شده و مورد بررسی و نقد و مباحثه نظریه سازان و نظریه پردازان جهانی قرار می‌گیرند. در نظام آموزش کشور نیز مفاهیمی نظیر یادگیری مداوم، ارتباط آموزش و پرورش با نهادهای حرفه‌ای، ارائه به هنگام آموزش و پرورش و ایجاد برابری آموزشی صرف نظر از نژاد، جنس، فرهنگ و قومیت به طور جدی مطرح است (سوئیزی، ۱۳۸۰: ۳۴).

فناوری اطلاعات در جهان امروز، چشم اندازهایی را برای جهانیان به ارمغان آورده است که بر تمام ابعاد زندگی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی انسان قرن بیست و یکم تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که بیش تر فراگیرندگان را به سمت رایانه‌ها و آموزش کار با آنها سوق داده است. کسب آگاهی، تحصیل دانش و اتصال اطلاعات، مهارت آموزی و تجدیدنظر در نگرش‌ها را با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی معاصر تسهیل و تسریع کرده است. نفوذ رایانه‌ها در زندگی بشر، جهانی شدن آموزش، تبدیل اقتصاد سنتی به اقتصاد اطلاعاتی و دانش محور را در آینده بسیار نزدیکی نوید می‌دهد، مبادله اطلاعات در فرایند مدیریت سازمانها به ویژه، مدیریت آموزشی مرزهای جغرافیایی را از بین برده و جهان پهناور را با آن همه تضاد و شگفتی به هم نزدیک کرده است. به عبارت ساده فاصله‌ها را بسیار تقلیل داده است. نظام‌های اطلاعاتی از لحاظ تولید خدمات و کالا، بازاریابی و توزیع، تغییرات شگرفی را در گیتی به وجود آورده‌اند. بدون شک دانش و اطلاعات که از طریق ارائه محتوا و راهبردهای آموزش رسمی گسترش می‌یابد، در تولید و تربیت نیروی انسانی و توسعه پایدار موثر است. رایانه‌ها با فراهم کردن فرصت لازم برای تمرین و کسب دانش بشری و پرورش دانش آموزان به آموزش مدرسه‌ای یاری می‌دهند (فاکس، ۱۳۸۱: ۴۸).

سرعت چرخه نظام اطلاعاتی در طول دوره‌های زندگی بشر هرگز به این اندازه نبوده است. در این قرن، اطلاعات و ارتباطات به حدی گسترش یافته که علاوه بر وجود چشم‌اندازهایی نظیر آموزش مشاغل با چالشهایی مانند ایجاد مدارس مجازی و کاهش نیاز به نیروی انسانی را در پی داشته است. علم و فناوری در عصر فراصنعتی با سه ویژگی تغییرپذیری، ریزسازی و سرعت از دوره صنعتی متمایز می‌شود. با این توضیحات در این مقاله سعی می‌گردد ویژگیهای آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن مورد بررسی قرار گیرد و تأثیر جهای شدن بر فرایند تربیت و پرورش دانش‌آموزان تبیین گردد (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۶۸).

## ۲-۱- پیشینل تحقیق

با توجه به اهمیت فرایند جهانی شدن و تأثیر همه‌جانبه‌ای که این پدیده بر تمام شئون زندگی بشر می‌گذارد، بدیهی است آموزش و پرورش نیز از این فرایند به دور نمی‌ماند، لذا تا کنون پژوهش‌هایی چند در این حوزه انجام شده‌است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- مطلق، معصومه؛ جعفری گلنسایبی ندا. (۱۳۸۹). «بررسی پدیده جهانی شدن در عرصه آموزش و پرورش در عصر اطلاعات». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی. شماره ۱. صص ۱۰۴-۱۲۹. در طول تاریخ زندگی انسان ایجاد و شکوفایی تمدن‌های بشری بر اساس نیاز طبیعی جوامع در حال رشد بوده و افول و اضمحلال آنها نیز معمولاً تابع ضرورت همان رشد و تکامل بوده است. در دنیای امروز عقیده بر این است که باید تفکر جهانی داشت و به صورت محلی این تفکرات جهانی را پیاده کرد. این امر می‌تواند به معنای بومی‌سازی تفکرات و اندیشه‌های جهانی نیز تلقی شود. جهانی شدن همانند بسیاری از پدیده‌های جهان‌شمول در اغلب حوزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. یکی از حیطه‌هایی که جهانی شدن در آن به سرعت در حال پیاده شدن است، یادگیری و به طور اخص آموزش و پرورش است که به شناخت استعدادها و بالقوه دانش‌آموزان و ارزیابی دقیق آمادگی آنان برای یادگیری و مسئولیت‌پذیری در جامعه می‌پردازد. مقاله حاضر در نظر دارد به بررسی پدیده‌های جهانی شدن در عرصه آموزش و پرورش در عصر اطلاعات بپردازد.

- مزارعی، یوسف؛ شادفر، حوریه. (۱۳۸۸). «آموزش و یادگیری در عصر جهانی شدن». مجله مهندسی فرهنگی. شماره ۳۷ و ۳۸. صص ۶۶-۷۵. روند غیرقابل برگشت به سوی جهانی‌شدن و افزایش همبستگی و اجتماع‌گرایی همه جوامع را به سوی آینده نوین و نیز غیرقابل پیش‌بینی سوق می‌دهد. چگونگی آموزش و یادگیری به مثابه رکن اساسی توسعه پایدار یکی از عمده‌ترین مسائل فراروی جوامع مختلف است. یادگیری برای دانستن در قرن ۲۱ باید بر شناختی روشن از این که چه چیزی را باید

بدانیم، چگونه باید بدانیم و چه کسی باید در یادگیری و دانستن مشارکت کند، استوار باشد. در این مقاله، ضمن پرداختن به مفهوم و پیشینه جهانی شدن و چرایی و ابعاد آن تلاش شده است تا رسالت آموزش و پرورش و مشکلات و مسایل آن در برابر پدیده جهانی شدن بررسی شود. براساس نتایج این مطالعه آموزش و یادگیری مادام‌العمر و نیز مشارکت در آن به عنوان بخشی از راهکارهای مواجهه با مسأله آموزش در عصر جهانی شدن پیشنهاد شده است.

- خوش‌قدم‌خو، سید صدراالله. (۱۳۹۱). «تبیین پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران» مجله اندیشه‌های نوین تربیتی. شماره ۲. صص ۱۵۵-۱۹۸. این پژوهش به تبیین و بررسی پیامدهای جهانی شدن اقتصاد بر اهداف آموزش و پرورش ایران با تأکید بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه اقدام کرد. روش اجرای پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. برای گردآوری داده‌های لازم برای پاسخگویی به سوال‌های پژوهش کلیه منابع و مراجع مرتبط، با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شد. یافته‌های به دست آمده در پیامدهای جهانی شدن اقتصادی برای اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه آموزش و پرورش ایران مواردی چون: تغییر رویکرد‌های آموزشی با توجه به جهانی شدن اقتصادی، متناسب کردن کارکرد‌های نظام آموزشی و بازار کار، فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های علمی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به ارتباط بین تحصیل با شرایط واقعی دنیای کار، افزایش ارتباطات تجاری و آموزش زبان، فرآیند یادگیری دانش و کاربردی کردن آن در جامعه است. نتایج این پژوهش مرتبط با اهداف مصوب آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی، آشنایی با زبان خارجی برای ارتباط با دیگران، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه است.

### ۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

جهانی شدن، فرایندی ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر است و در نتیجه باید با آن مواجه شد و آن را شناخت. یکی از جنبه‌های مهم این فرایند، تأثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش است. آموزش جهانی، راهکارهای آزمایش‌شده‌ای را برای بهبود محیط یادگیری و غنی‌سازی یادگیری مطرح می‌کند. از این رو از ابزارهای یادگیری استفاده بهینه‌ای می‌شود و اهداف علمی، مهارتی، رفتاری و ارزشی به طور مؤثرتری شناخته می‌شوند. تأکید بر تشکیل گروه‌های کاری، یادگیری مشارکتی، تقویت اتکالی به نفس، تنوع یادگیری و ایجاد محیطی توأم با بازی و سرگرمی در کلاس، باعث تشویق دانش‌آموزان، تقویت انگیزه آنان و در نهایت حصول نتایج بهینه در یادگیری‌های شناختی و تأثیرگذار به لحاظ اجتماعی خواهد شد. آموزش جهانی بر استدلال تنش میان دو مقوله امنیت (آسایش) و مبارزه (چالش) استوار است. نظام آموزش جهانی ابزار مناسبی برای پرورش شخصیت، نبوغ و توانایی‌های ذهنی و جسمانی کودکان و رعایت حق کودک در مشارکت فعالانه در بازی و فعالیت‌های تفریحی است و لذا شناخت این نظام نوین بسیار مهم و پژوهش درباره آن، ضروری است.

### ۲- بحث

#### ۱-۲- تعریف جهانی شدن

جهانی شدن به زبان ساده فرایند اجتماعی شدن، انسجام، پذیرش مردم، تحمل عقاید آنان و سازگاری و حسن سلوک با مردم به طور متقابل است. در جریان تبادل افکار اندیشه‌هایی تبیین می‌شود که در هدایت و آموزش طرف مقابل اثربخش است. جهانی شدن دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و با روشهای مناسب و اصول مربوط به هدفهای گوناگون، فعالیت‌های لازم را تعقیب و از راهبردهایی برای تسریع و تسهیل در نیل به آرمانها استفاده می‌کند (مطلق و جعفری گلنسایبی، ۱۳۸۹: ۷۴). حال می‌توان تعریفی از جهانی شدن ارائه داد که در ادامه به آن می‌پردازیم: درک متقابل و تفاهم سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش که به تعامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت‌های گوناگون

منتهی می‌شود. با تجزیه و تحلیل این تعریف، فراهم سازی بستر فرهنگی جهانی شدن و یکپارچگی نیاز به ایجاد مراکز یادگیری و آموزش دانشگاهی دارد که کلید آن در دست رهبران آموزشی است که با استفاده از الگوی مدیریت مشارکتی یعنی کار با مردم و برای مردم و ارتباط متقابل آموزش و پرورش، دانشگاه و صنعت زمینه‌سازی کرده، با آموزشهای کافی و به هنگام به مثابه فرایندی بزرگ میان مرزهای سنتی، فرهنگهای گوناگون رشته‌های علمی پیوندی برقرار کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۴).

پیدایش نظام نو ارتباطات الکترونیکی که عرصه آن نظام جهانی است و ویژگی‌اش یکپارچه‌سازی همه رسانه‌های ارتباطی و تعامل بالقوه است، در حال تغییر فرهنگها است و آنها را دگرگون می‌کند. از این منظر جهانی شدن تمدن اطلاعاتی را بنا می‌کند که اتکای آن به زمین، سرمایه یا مواد خام نیست، بلکه مبتنی بر نیروی خلاقیت بشری و نبوغ و ابتکار او است. تمدنی که دانش در آن منبع ارزش قلمداد می‌شود و به همان گونه که در جامعه صنعتی سرمایه و کار عوامل اصلی تولید را تشکیل می‌دادند، در جامعه اطلاعاتی دانش، عامل اصلی تولید به شمار می‌آید (مطلق و جعفری گلنسای، ۱۳۸۹: ۷۴).

در عصر دانش و اطلاعات با استفاده از ارتباطات رایانه‌ای مرزهای دانش از هم گسیخته و محیط یادگیری به شکلی جدید معنا می‌یابد. فناوریهای اطلاعات در پیدایش روشها و اشکال نوی از تعلیم و تربیت تاثیر گذاشته و به فضاهای آموزشی وارد می‌شود. این موضوع از اواخر قرن بیستم میلادی به مثابه یکی از خط مشی‌های اساسی کشورهای در حال توسعه مطرح شده است. براین اساس محیط مناسب برای یادگیری باید همواره و در سطحی وسیع و با انعطاف‌پذیری لازم در دسترس همگان قرار گیرد (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۶۸).

در این نوع نگرش دیوارهای بسته مدارس و مراکز آموزشی فروریخته و آموزش همیشه و در هر کجا در اختیار افراد قرار می‌گیرد. از این رو است که اهمیت نقش فناوری‌های نو اطلاعاتی و ارتباطی در عصر اطلاعات رخ می‌نمایند. با استفاده از این فناوری‌ها جست و جوی اطلاعات مورد نیاز به صورت فردی امکان پذیر شده و شکل جدیدی از یادگیری مادام‌العمر ظهور می‌یابد (فاکس، ۱۳۸۱: ۴۸).

## ۲-۲- دو رویکرد آموزشی و پرورشی در مواجهه با جهانی شدن

درباره جهانی شدن و تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نظام آموزش دو رویکرد متفاوت وجود دارد:

### ۲-۲-۱- سنت‌گرایان

برخی معتقدند که اثر فناوریهای جدید تدریجی است و صرفاً انتقال برنامه درسی سنتی را کارآمدتر می‌سازد و در واقع دسترسی به اطلاعات سریع‌تر می‌شود، بنابراین در مواجهه با فرایند جهانی شدن نیاز به کار خاصی نیست و تنها باید آن را پذیرفت. در این رویکرد، بنا بر سنت است و اصل را همان سنن پیشین می‌دانند و جهانی شدن را در حد تغییرات طبیعی و خودبه‌خود می‌پذیرند (سوئیزی، ۱۳۸۰: ۳۴).

### ۲-۲-۲- رویکرد تجددخواه

رویکردی دیگر معتقد است که ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس، اهداف و ابزارهای تعلیم و تربیت را به صورت اساسی تغییر می‌دهد. از این دیدگاه، فناوری اطلاعات بر مرزهای ساختاری نظام آموزشی سنتی فایق می‌آید. براساس دیدگاه جدید، نظام آموزشی پسامدرن دارای ویژگیهای زیر است:

- آنچه ارزش دانستن دارد، آموخته می‌شود و هر اطلاعاتی در ذهن اندوخته نمی‌شود.
- معلم به دانش آموز برای دست یابی به اطلاعات، ارزش‌گذاری آنها و سازمان‌دهی کمک می‌کند.
- دانش آموزان اطلاعات را براساس مقولات و گستره دیدگاهها طبقه‌بندی می‌کنند.
- متون درسی ویرایش‌پذیر می‌شوند.
- از دانش‌آموزان انتظار انتخاب و گزینش می‌رود.
- تولیدات فکری، اسناد زنده و قابل اصلاحی هستند که قابلیت افزایش، کاهش و تغییر را دارند.

- گستره‌ای از اشکال چند حسی و خلاق الکترونیک مانند صفحات وب با ویژگی حرکت، نمودار، عکس و ارتباط متعامل ایجاد می‌شود.
- دانش به صورت غیرخطی و فوق متن عرضه می‌شود.
- دانش‌آموزان امکان نشر یافته‌های خود را برای گستره وسیعی از مخاطبان می‌یابند.
- دانش‌آموزان امکان مبادله راهنمایی‌هایی درباره ویرایش و اصلاح تولیدات خود را می‌یابند (توما، ۱۳۶۹: ۴۳).

باید دانست که ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در جلوه‌های گوناگون آن اینترنت، رایانه، چندرسانه‌ای‌ها و... به تنهایی ایجاد انقلاب آموزشی نمی‌کند. اگر فرهنگ یاددهی- یادگیری در نظام آموزشی تحول نپذیرد، نه تنها ورود فناوریهای اطلاعاتی ایجاد تحول نخواهد کرد که به تقویت سنتهای محافظه‌کارانه آموزشی نیز خواهد پرداخت. در واقع این فناوری نیست که به تنهایی اعمال تغییر می‌کند؛ انسانها نیز عامل مهم تحولند. در حال حاضر کلاسهای درس غرق در هنجارهای فرهنگی‌اند که بسیاری از آنها در دهه‌های طولانی ثابت بوده‌اند. کاربرد فناوری اطلاعات لزوماً این هنجارها و رویه‌ها را در کلاس درس تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه معلم یا عوامل دیگر؛ عادات و رویه‌های جدید را تأیید کنند. لذا صرفاً کاربرد فناوری مهم نیست؛ معلم باید متفاوت عمل کند و تأکید بر ساخت دانش توسط فراگیر و تبیین مسایل داشته باشد. در واقع معلم باید روشهای تفکر را که فناوری در اختیار قرار می‌دهد؛ لحاظ کند. از این رو چگونگی ورود فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (خوش‌قدم‌خو، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

به نظام آموزشی اهمیت می‌یابد. تحقیقات در این زمینه بیانگر آن است که آموزش فناوری به معلمان باید مستلزم عنصر آموزشی و تربیتی باشد و الا تعمیم آن به محیط یادگیری به همت معلمان بعید به نظر می‌رسد. به بیانی اگر بتوان به معلمان در حین آموزش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات (ICT) نشان داد که آموخته‌های آنها به نحوی به کارشان مربوط شود؛ بسیار علاقه‌مند و مشتاق ورود فناوری جدید در محیط آموزشی می‌شوند. به عبارت دیگر وقتی مرز میان آموزش برای فناوری و آموزش برای برنامه درسی محو می‌شود؛ معلمان انگیزه بیشتری برای یادگیری کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در کلاس درس می‌یابند. روش مؤثر و کارآمد در آموزش فناوری، کاربرد در زمینه یادگیری هدف‌دار است و به جای یادگیری کاربرد فناوری باید تأکید بر کاربرد فناوری برای یادگیری داشت و فرایند دسترسی به نیازهای معلمان در برنامه درسی را به نحوی در متن آموزش فناوری قرار داد (سوئیژی، ۱۳۸۰: ۳۶).

### ۳-۲- تأثیر جهانی شدن بر ساختار آموزش و پرورش

با توجه به نگرش ساختارگرایی، می‌توان گفت که آموزش و پرورش نیز جزیی از یک کل است که تحت تأثیر جهانی شدن و فرآیند نوگرایی اخیر قرار گرفته است. امروز همانند دولت-ملت‌ها یا بهتر از آن، کشورها، ساختار آموزش و پرورش متأثر از فرآیندی است که طبق نظریه پخش فضایی هاگراستراند، کانون آن در کشورهای شمال واقع شده است. این فرآیند، معرفی کننده لیبرالیسم نو برای کشورهای جهان است و نمود آن در ساختار آموزش و پرورش کشورهای متأثر از جهانی شدن، خلاقیت، ابتکار، مدرسه محوری، مشارکت و غیره است. همچنین باید بدانیم افکار عمومی جهان همانند دیگر اجزا ساختاری را می‌پسندد که برپایه اصول و مبنای دموکراسی غربی باشد و آن را بهترین الگو برای جامعه عصر فضا می‌داند. امروزه ساختارهایی که دیروز بر مبنای تمرکزگرایی دولت مدرن و بروکراسی آموزش و پرورش بنا یافته بود، جای خود را به ساختار محلی و بومی شده عصر پسامدرن داده است که سعی می‌کند از طریق جهانی شدن، ساختارهای کوچک را جهانی کند. این مکتب برای پیشرفت و ترقی جامعه مدنی جهانی و یا جامعه شبکه‌ای، بهترین الگو را در مدرسه محوری، مشارکت از پایین، احترام به ذهنیت افراد و خلاقیت آنان می‌داند که مطمئناً تحت تأثیر اراده انسانی به دنبال ساختار شکنی دولت تمرکزگرا و یکسان‌ساز است (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۶۹). همچنین مواردی همچون خصوصی‌سازی آموزشی، کم شدن مدارس دولتی و ورود امکانات و تجهیزات پیشرفته به مدارس، تداعی کننده جهانی شدن اقتصاد و اقتصاد سرمایه داری است. به هر حال، ساختارهای امروزی در کلیه جنبه‌های زندگی، متأثر از عصر فضا است که به همراه دیگر اجزاء، کل آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرارداده است. از طرفی، ضرورت‌های جهان کنونی بسیاری از



کشورهای پیشرفته را بر آن داشته است که پیوسته نظام آموزش و پرورش خود را بررسی، تحلیل و نقد کنند و راههای ناسودمندکار را رها سازند و شیوه های جدید و سازگار با ضرورت های جهان کنونی و آینده نه چندان دور را بر پا دارند. برای مثال، اداره آموزش و پرورش شهر «توپیلیو» از ایالت می سی سی پی ایالات متحده امریکا تلاش گسترده ای را برای پدید آوردن مهارت ها و پندارهای لازم برای کفایت و شایستگی مدنی و دست یافتن به رفتارهای مسوولانه اجتماعی انجام داد. به طور کلی، ساختار آموزش و پرورش در زمینه هایی همچون تمرکز زدایی، فناوری سطح بالا و مشارکت کارکنان، تحت تاثیر جهانی شدن واقع شده است. این ساختار در کشورهای پیشرفته زودتر شروع شده و اصولا کشورهای غربی مبدع این الگوها بوده اند و به نظر می آید که کشورهای دیگر جهانی نیز متأثر از این فرآیند رو به رشد شده اند (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۷۳).

### ۳-۲-۱- تمرکززدایی

از چند دهه گذشته، کشورهای غربی به سوی تمرکززدایی رفتند، در واقع در سایه تمرکز نداشتن به تفویض اختیارات بیشتری پرداختند و کارکنان خود را هر چه بیشتر خودگردان کردند. از طرفی، این امر باعث رشد هویت شخصی و گسترش تعلق گروهی در کارکنان شده است، چراکه در مباحث مدیریت نئوکلاسیک، روابط انسانی جایگاه ویژه ای دارد و ثابت شده است در سازمان های کوچک به علت نزدیکی بیشتر کارکنان، اثر بخشی و کارایی بیشتر خواهد بود. در سایه این تحولات مدیریتی و سازمانی، نظام آموزش و پرورش نیز به سمت تصمیمات منطقه ای محلی و مدرسه ای کشیده شد و تعداد مدارس بزرگ کاهش یافت. در همین خصوص، طرح مدیریت مدرسه ای مطرح شد. البته این امر مخالف سازمان ناحیه ای نیست؛ چرا که همواره ناحیه می تواند برای هدایت مدارس و هماهنگ کردن کار آنها جایگاه خویش را حفظ کند (مطلق و جعفری گلنسایبی، ۱۳۸۹: ۷۵).

### ۳-۳-۲- گسترش فناوری در آموزش و پرورش

به کارگیری فناوری هایی همچون کامپیوتر، ماهواره و سیستم های اطلاع رسانی دیگری همانند اینترنت در آموزش و پرورش هم موثر افتاد. با بهره گیری از رایانه، معلمان به جای تلاش در عرضه محتوا و مواد درسی، بیشتر به تعامل با شاگردان می پردازند که در نتیجه آن، بهبود یادگیری دانش آموزان خواهد بود (مطلق و جعفری گلنسایبی، ۱۳۸۹: ۷۳).

### ۳-۳-۲- افزایش مشارکت

مشارکت کارکنان به بهبود روحیه و رشد بهره وری منجر خواهد شد. در واقع در سایه مشارکت، تعهد سازمانی کارکنان افزایش خواهد یافت. این امر می تواند آموزش های مناسب و برنامه های درسی مطلوب را برای مدارس در پی داشته باشد. به طوری که در یک پروسه نظارت و کنترل، مدیران متحول شوند و به مشارکت کارکنان ایمان بیاورند. لازمه این امر آن است که:

- الف - در تشکیلات آموزش و پرورش، ساختاری تازه و مبتنی بر مشارکت ایجاد شود.
- ب - در سطح خود نواحی آموزش و پرورش، رسالت و هدف و برنامه درسی را ارائه کنند و همچنین مدرسه، خود نوع هدفها و فعالیت ها و چگونگی دستیابی به آنها را مشخص و پیگیری کند.
- ج - ایجاد فرهنگ یادگیری همگانی در مدرسه، به طوری که یادگیری برای همه مهم باشد و اصل یاد گرفتن نه این که چه کسی چه مقامی دارد سرلوحه کار قرار گیرد (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۵۵).

این امر فقط می تواند با دقت نظر مسوولان سازمان آموزش و پرورش ایجاد شود. به طور کلی، تمرکز زدایی، بهره گیری از فناوری های جدید و کارآمد در سازمان آموزش و پرورش و ایجاد روح مشارکت همگانی از جمله تغییراتی است که به تبع تغییرات سایر سازمان ها در آموزش و پرورش شکل می گیرد. ناکارآمدی تفکر سنتی در آموزش و پرورش واقعیت این است که جهانی شدن تاثیرات زیادی را بر آموزش و پرورش داشته است و یا در حال تاثیرگذاری است. آموزش و پرورش قسمتی از وجود جامعه را تشکیل می دهد و جامعه امروزی دارای نگرش جهانی است. تفکر سنتی ارتجاعی نه تنها جایی در آموزش و پرورش ندارد بلکه در هیچ بخشی از کشور مشاهده نمی گردد (رابرستون، ۱۳۸۲: ۵۶).

آموزش و پرورش امروزی مبتنی بر نگرشهای روزمره است. از طرفی در حال حاضر ساختار اهداف آموزش، دیگر وسیله ای در دست حکومت نیست و برخلاف نظریه مارکس، تمامی طبقات جامعه در کشورهای پیشرفته امر آموزش را زیر نظر دارند و این فرآیند نیز از مرکز به سمت پیرامون در حال گسترش است. گذشته از مثبت یا منفی بودن پدیده جهانی شدن، به نظر می رسد که رخداد این پدیده در عصر فضا، فرصتهای لازم را نه تنها برای تبادلات آموزش و پرورش در سطح جهان به وجود آورده است بلکه امتیازاتی را نیز برای کشورهای جهان سومی مانند ایران فراهم کرده تا از این طریق بتوانند پایه های آموزشی جامعه خویش را محکم کنند و گامی بلند برای آینده پیش روی خویش بردارند. ورود فناوری آموزشی سطح بالا، گسترش خطوط و پایگاه های اینترنتی، ورود رایانه های نو به بازار، افزایش مشارکت مدرسه محوری همگی متأثر از پدیده جهانی شدن است بنابر این، برای جا نماندن از جامعه مدنی جهانی، باید کودکان و نوجوانان را با این پدیده آشنا کرد و ضمن رفع مشکلات آنان، زندگی در زمان بی زمان را به آنها آموخت. به طور طبیعی در طول زمان، نظام آموزش و پرورش و کارکنان، مدیران و کارگزاران آن دستخوش این تغییرات خواهند شد و عدم ایجاد تغییرات غیرطبیعی خواهد بود. این دسته از تغییرات پیش از آن که به طور مستقیم بر نتایج پیامدهای ناشی از آموزش و پرورش موثر باشند، در بهبود عملکردها موثر خواهند بود به عبارتی، اگر این نظام درصدد پاسخگویی مطلوب به نیازهای اجتماعی است، باید به اصلاح و تجدیدنظر در خود بپردازند (خوش قدم خو، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

#### ۴-۳-۲- تأثیر جهانی شدن بر اهداف آموزش و پرورش

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزشهای فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قایل است. از این رو می گوید افراد خود را براساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابر این تعیین هدفها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ سازی و تمدن، این سازمان، جزئی از این کل ارگانیک است (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۶۳).

پس باید گفت که همراه تغییر جهان بینی ها، فرهنگها و اعتقادات گوناگون انسان، اهداف آموزش و پرورش نیز تغییر خواهد کرد. با همه این احوال، جهانی شدن جوامع را به اشکال گوناگون تحت تاثیر قرار داده است و نوعی تغییر در بینش دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنان، که از طرفی منطبق با زمان و مکان و همچنین فراتر از آن است را به وجود آورده است. پس می توان این گونه بیان کرد که در حال حاضر و با توجه به جهانی شدن مکان و زمان، اهداف آموزش و پرورش نیز بر طبق اصول زیر تغییر یافته است:

۱- آموختن و فراگرفتن از حالت خشک و انفعالی یکسویه خارج شده است و به صورت خیال و کنش چند سویه میان دانش آموزان و پرورش کاران پی ریزی و استوار شده است. یادگیرندگان در فراگرد یادگیری نقشی کوشا تر پیدا کرده اند و در تعیین و تعبیه مواد درسی، اثر در خور توجه به دست آورده اند.

۲- مهارت های ادراکی پیچیده اهمیتی در خور توجه یافته است و کوشش می شود ناتوانی های اندیشیدن انتقادی، پرسش کردن، جستجو کردن، اندیشیدن مجرد و پدید آوردن و سنجیدن کودکان و نوجوانان با مشارکت و درگیری ذهنی و عملی آنان پرورش یابد (سوئیزی، ۱۳۸۰: ۳۶).

۳- همه هستی انسان کانون توجه پرورش کاران قرار گرفته است و ابعاد عاطفی، عقلی، جسمی و اخلاقی در پیوندی سازگار با هم و در پاسخ به نیازهای فردی و خواست های اجتماعی پرورش می یابد. به عبارتی، انسان به صورت یک موجود خود زمان در کلیات هستی پرورش داده می شود.

۴- یادگیری وسیله ای است که در راه خدمت به زندگی و گشودن دشواری های واقعی و افزایش شوق و تعهد استوار می شود و موضوعات کهنه، مرده و نامرتبط به زندگی از درون نظام آموزش و پرورش خارج می شود.



۵- گذشته، حال و آینده به صورت پویا و معنی دار به هم مرتبط می شوند و از پیوند سازنده آنها راه پدید آمدن گزینه های درست برای آینده همواره می شود (خوش قدم خو، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

۶- دامنه ارتباط آموزش و پرورش با مردم گسترده می شود و فراگرد مشارکت و پیام رسانی میان آموزشگاه با جامعه گسترده تر می گردد و به صورت قانونی، آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان وظیفه مشترک میان آموزشگاه و خانواده به شمار می آید.

۷- سرانجام، ساختار آموزشگاه ها کوچک و پر نرمش می شود و از دشواری های بزرگ کاسته می شود. کوچک شدن آموزشگاه از پیوندهای عاطفی و شناسایی فردی سرشار می شود لذا این فرآیند که در بعضی کشورهای جهان در حال تکامل است، به نظر می رسد الگوهای مناسبی برای پیشرفت و ترقی در کشورهای جهان سوم باشد (مطلق و جعفری گلنسایی، ۱۳۸۹: ۷۵).

### ۳- نتیجه گیری

در آموزش و پرورش با توجه به فشرده شدن و یکپارچگی جهان با مطالعه و تحقیق عمیق و بهره گیری از منابع و امکانات، نیازمند استراتژی نوآوری و خلاقیت و تحرک اجتماعی هستیم تا با تحولات جدید و روش های تازه، اندیشه های نو و سازنده را توسعه دهیم و از اندیشه های عقیم و ناکارآمد دست بر داریم هر چند که در مقابل جهانی شدن مقاومت هایی وجود دارد ولی به صورت تدریجی و مداوم با هماهنگی عناصر و اعضای آن به تنوع و اصلاحات باید پرداخت تا به پویایی رسید. لذا با توجه به راههای بهتر می توان تصورات و ابهامات و موانع و بحران های این فرایند را با همکاری حل نمود و موجب ترقی و پیشرفت و وحدت آموزش و پرورش شد. و با تدوین راهبردهای علمی و هدفمند و تعامل آگاهانه و خلاق آموزش و پرورش و ارتقای درک عمومی جامعه موجب کارکردهای منسجم و موفق و کاهش آسیب پذیری و تعادل و توسعه یافتگی در سطح بین الملل شد. توجه به مسایل جهانی نباید ما و دانش آموزان ما را از هویت ملی خود دور سازد. پس باید در این جریان به ابعاد مقدمه ساز آن توجه داشت. و با شناخت دقیق آثار مثبت و منفی جهانی شدن و انتخاب واکنش صحیح در این زمینه، تهدیدها تبدیل به فرصت شوند. با توجه به تجزیه و تحلیل و درک واقعیت های که دانش آموزان ما در نظام آموزش و پرورش با آن مواجه هستند نیازمند آموزش و پرورش پویا و بالنده هستیم تا در روند جهانی شدن به تدریج مدارس از طریق شبکه های جهانی و تعامل سازنده با مدارس کشورهای دیگر به آموزش و انتقال تجارب خود بپردازند.

### فهرست منابع

- توما، ژان. (۱۳۶۹). *مسائل جهانی آموزش و پرورش*. ترجمه احمد آقازاده. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خوش قدم خو، سید صدرالله. (۱۳۹۱). «تبیین پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران» *مجله اندیشه های نوین تربیتی*. شماره ۲. صص ۱۵۵-۱۹۸.
- رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۲). *جهانی شدن*. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- سوئیزی، پل. (۱۳۸۰). *جهانی شدن با کدام هدف؟* ترجمه ناصر زرافشان. تهران: نشر آگه.
- فاکس، جرمی. (۱۳۸۱). *چامسکی و جهانی سازی: تقابل های پسا مدرن*. مترجم مزدک انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- مزارعی، یوسف؛ شادفر، حوریه. (۱۳۸۸). «آموزش و یادگیری در عصر جهانی شدن». *مجله مهندسی فرهنگی*. شماره ۳۷ و ۳۸. صص ۶۶-۷۵.
- مطلق، معصومه؛ جعفری گلنسایی ندا. (۱۳۸۹). «بررسی پدیده جهانی شدن در عرصه آموزش و پرورش در عصر اطلاعات». *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. شماره ۱. صص ۱۰۴-۱۲۹.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۷). *نگاهی به نگرش های فلسفی سده بیستم*. تهران: طهوری.